

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۹ اگست ۲۰۲۳

## شرکاء و نوکران داخلی امریکا در احیای مجدد طالب!

(۴)

جمعه - ۲۷ اسد ۱۴۰۲ - کابل:

۳- در زمینه فرهنگی: شرکاء و نوکران امپریالیسم امریکا، در پروسه احیای مجدد طالب و آماده ساختن زمینه باز گشت آنها به قدرت، خیانت هایشان را به مردم افغانستان و تاریخ کشور تنها در زمینه های سیاسی و نظامی محدود ساختند، بلکه در زمینه فرهنگی چنان تلاش نمودند تا شرایط برگشت طالب را مساعد بسازند که خود طالب توان اجرای آن را نداشت، چنانچه:

علی رغم آن که اشغالگران امریکائی و شرکاء با دهل و سرنای آزادی زنان و بقیه حقوق و آزادی های دموکراتیک، کوش فلک را کر و جوی های خون به راه انداخته بودند، مگر از همان نخستین جلسه ای که به اصطلاح حکومت موقت تحت ریاست عملی "خلیلزاد" و رسمی "حامدکرزی" برگزار نمودند، خانم "سیما سمر" را که تا آنزمان مانند دختر آدم لباس می پوشید و طرز لباس پوشیدنش متناسب با همان طرزی بود که از نخستین روز های رفع حجاب اجباری در زمان صدارت سردار داوود خان در کابل مروج بود یعنی به بهانه رفع حجاب نه دامنش تا بند نافشان می رسید و نه هم مانند بیماران جذام سر و رویشان را می پوشاندند، چنان چادر پیچ به جلسه وارد ساختند که حجاب زنان در رژیم ولایت فقیه نزدش برهنگی به شمار می رفت.

این حرکت که مطلقاً عقب گردی بود نسبت به شرایط دوران ظاهر و داوود، هر چند ظاهراً به بهانه امتناع از تحریک طالبان صورت می گرفت مگر در واقعیت امر، نه تنها تمکین در مقابل خواست عقب مانده طالب و اسلام سیاسی بود، بلکه سمتدهی جامعه به همان مسیری بود که در نهایت طالب می خواست آن را تطبیق نماید.

تلاشهای فرهنگی برای احیای مجدد طالب تنها به شیوه لباس پوشیدن افراد محدود نموده، اگر از چند مورد استثنائی برخی از نمایشات تحریک آمیز تعدادی از تلویزیون ها بگذریم، رسانه ها در کل به خصوص آنهایی که رسماً و علناً از جانب اداره مستعمراتی کرزی تمویل شده متعلق به وزارت اطلاعات و کلتور بودند، به مرکز تبلیغات اسلامی و طالب پروری مبدل شده بودند. حال آنهایی که از جانب احاد اسلام سیاسی از جمله "شیخ آصف محسنی، محقق، جمعیت اسلامی، منشعبان باند گلبدین" اداره و تمویل می گردیدند، باشد سر جایشان.

امپریالیسم امریکا و شرکای داخلی و خارجی آن، ماهیت واقعی طالب پروری خود را دیر پنهان نکرده، به محض آن که یک تن از قلم به دستان فریب خورده - اگر فراموش ننموده باشیم "میرحسین" که فکر می کرد و افعاً در افغانستان آزادی قلم به وجود آمده، در هفته نامه "آفتاب"، سنگسار و ارتداد را نقد نمود، نشان دادند که جامعه قرار است به کدام سمت حرکت نماید یعنی با صدور حکم اعدام، هر چند کانادایی ها در آخرین لحظه وی را ربوده به کانادا بردند- به تمام مردم افغانستان به خصوص قلم به دستان کشور فهماندند که خطوط سرخ همان است که در زمان طالب بود. بیانییم نظری به محتوای کتب درسی در معارف ببیندازیم.

هموطنان گرامی!

از تمام شما تقاضا می نمایم هرگاه در داخل و یا خارج کشور به کتب درسی که برای مکاتب در زمان "کرزی" و بعد ها "غنی احمدزی" تألیف و تدوین شده دسترسی دارید، لطفاً صرف به مضامین زبان آن نظر ببیندازید. متوجه باشید از شما نمی خواهیم به کتب به اصطلاح "علوم دینی" مراجعه کنید، بلکه به کتب زبان مراجعه نمایند. در این تحقیق از صنف چهارم تا ۱۲ خود خواهید دید که محتوای آنها شاگردی را که پرورش می دهد طالب بچه ای بیش نخواهد بود. در تمام این کتابها که با تأسف گویا در تدوین و تألیف آنها خابیان به جنبش چپ و انقلابی کشور نیز سهم داشته و در ازای دریافت مقداری دالر وجدان و شرف نداشته خودشان شان همراه با اعتبار جنبش انقلابی کشور را سودا نموده بودند، حتا نمی توانید یک شخصیت ملی و فرهنگی بیابید تا چه رسد به عناصر انقلابی، اکثر افراد معرفی شده فقط در دایره "امام این و یا امام آن" یعنی کسانی که نمونه های آنها در عصر حاضر یا "خمینی جلال" بوده و یا هم "سیاف جنایتکار"، ختم شده است.

هموطنان گرامی!

این وضعیت را وقتی با موجودیت هزاران مدرسه مذهبی اعم از سنی و شیعه بخواهیم تکمیل نمایم، می توانیم واضح و روشن ببینیم که امپریالیسم امریکا و شرکای داخلی و خارجی آنها، چگونه طی ۲۰ سال آزرگار با صرف میلیارد ها دالر مقدمات برگرداندن طالب را در زمینه فرهنگی تدارک دیدند و چگونه لشکر جهلی را که طالب را با خود هم هویت می بیند پرورش دادند.

**۴- در زمینه اداری:** آمادگی هائی که اشغالگران و همکاران داخلی و خارجی آنها در زمینه پرورش کادرهائی که در نهایت حاکمیت را به طالب دو دسته تقدیم دارند، اتخاذ نمودند فکر نمی کنم برای کسی پوشیده باشد. آنهائی که در داخل کشور به خصوص شهر کابل و چند ولایت درجه اول زندگانی می نمودند و با ادارات دولتی سر و کار داشتند مطمئناً خود تجربه نموده اند که افراد برای مقامات رهبری کننده یک اداره حتا در سطح اداره یک حوزه تعلیمی که چند مکتب را زیر نظارت داشت طی کدام پروسه و از کجا مقرر می شد.

یعنی در حالی که عناصر ملی و آنهائی که دلشان برای آینده کشور و فرزندان آن می سوخت، به بهانه های مختلف از کار برکنار می شدند، عکس آن افرادی که بالقوه می توانستند در زمانش به مثابه سخنگو و لشکر طالب عرض اندام نمایند، با هزاران چال و نیرنگ مقرر می شدند.

این روند تنها در امور ملکی محدود نمانده، بلکه در عرصه ملکی و نظامی خط حاکم تعیینات را به خصوص در زمان "غنی احمدزی" می ساخت. مسأله ای که زیر نام "نفوذ ستون پنجم" نه تنها از طرف مردم، رسانه ها و حتا "شیخ الحدیث هائی چون سیاف" به آن اذعان شد، بلکه طالب نیز بعد از این که حاکمیت را امپریالیسم امریکا به آنها سپرد، با تبختر و غرور روباهی که سایه شتر را مال خودش می داند، ادعا نمود که "برادران طالب و طرفداران ما" در تمام این مدت به مثابه "ستون پنجم" در درون حاکمیت یار و مددگار ما بوده اند.

یکی از بزرگترین کمکها که می شود گفت اکثریت کارمندان ادارات مستعمراتی "کرزی" و "غنی احمدزی" در زمینه احیای مجدد طالب و آوردن آنها به قدرت انجام دادند، ارتشاء و فساد اداری بود. ادارات متعلق به حاکمیت مستعمراتی آن چنان فاسد و غرق در فساد بود که مردم وقتی کارشان به یکی از ادارات می کشید، صد بار به دره و تازیانه طالب شکر کشیده در ته دل آرزوی برگشتن آن اداره جابر اما در مقایسه با اداره مستعمراتی پاک را می کردند. آنها بدون آن که طرفدار طالب باشند می خواستند از شر حاکمیت مستعمراتی و فساد حاکم بر آن خلاص شوند. ادامه دارد.

**با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!**

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**